

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره اول-بهار 1393-شماره پیاپی 23

« سبک‌شناسی دیوان مسیح کاشانی و معرفی نسخه خطی این دیوان »

(ص 149-165)

مهدی ماحوزی<sup>45</sup>، شیوا قاصد رضایی (نویسنده مسئول)<sup>46</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 92/12/1

تاریخ پذیرش قطعی: 93/1/28

چکیده:

از جمله شاعران توانمند سده یازدهم هجری که علیرغم خلاقیتها و ذوق شعریش تقریباً گمنام مانده، رکن الدین مسعود، پسر حکیم نظام الدین علی کاشانی، متخلص به مسیح و مشهور به حکیم رکناست (تولد 985 هـ. و وفات 1066 هـ.) وی طبیب دیوان شاه عباس اول صفوی و از خوشنویسان حاذق عصر خویش بشمار می‌آمد. نگارنده در این تحقیق برآنست تا برای نخستین بار با نگاهی کوتاه به معرفی نسخه خطی دیوان مسیح کاشانی، ضمن معرفی آثار وی، به بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های سبکی تشکیل دهنده این دیوان پردازد و در حقیقت توان مسیح را در ابتکاری یا مقلد بودن، تبیین کند. بررسیهای بعمل آمده حاکی از آنست که مسیح شاعری تواناست که شعرش سرشار از انواع صورخیال و مضمون آفرینیهای بکر است و ترکیب سازههای فراوان و توجه به لغات و مضامین عامیانه هند که در دیگر آثار سبک هندی دیده میشود، در این دیوان نیز مشهود است.

کلمات کلیدی:

مسیح کاشانی، مضمون سازی، سبک هندی، تصویر سازی، شعر عهد صفوی

<sup>45</sup> دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی رودهن [mahoozi@riau.ac.ir](mailto:mahoozi@riau.ac.ir)

<sup>46</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

### ضرورت تحقیق:

بدلیل اینکه تاکنون، دیوان دؤم مسیح کاشانی بصورت نسخه خطی باقی است و به دور از دسترس پژوهشگران و ادب دوستان، پس تصحیح این دیوان و چاپ آن و معرفی مسیح کاشانی و نسخه‌های خطی وی و همچنین بررسی برجستگی‌های شعری وی از ضرورت‌های پژوهشیست.

### شیوه پژوهش:

در این پژوهش از شیوه توصیفی و تحلیلی استفاده شده است، به این ترتیب که بعد از تصحیح انتقادی دیوان دؤم، موارد برجسته شعری مسیح که منجر به تشخیص سبکی شده، تعیین، دسته‌بندی و تحلیل گردیده است.

### پیشینه تحقیق:

تا آنجا که مورد بررسی قرار گرفته، تاکنون درباره دیوان دؤم مسیح و سبک شعری او هیچ کاری انجام نگرفته است، فقط در چند تذکره، مختصری از احوال وی آمده که پاسخگوی سؤالات پژوهشگران درباره شعر و شاعری و جایگاه مسیح در ادبیات فارسی نیست.

اما دیوان اول مسیح توسط آقای دکتر محمد علی شریفیان تصحیح شده است و مقالاتی در این باره با تکیه بر دیوان اول وی تألیف شده است که اهم آنها عبارتند از:

1. شریفیان، محمدعلی، تحلیل ساختاری اشعار مسیح کاشانی با رویکردی به تأثیر اوضاع اجتماعی بر موسیقی شعر، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، سال ششم، شماره 25، بهار 89، صص 141-118
2. شاه حسینی، ناصرالدین، شریفیان، محمدعلی، تحلیل ساختاری اشعار خاقانی و مسیح کاشانی، مجله فنون ادبی، سال چهارم، شماره 2، پاییز و زمستان 91 شماره پیاپی 7
3. شریفیان، محمدعلی، بررسی سیمای شاه عباس اول در اشعار مسیح کاشانی و مقایسه آن با کتابهای تاریخی، نشریه علوم انسانی «فقه و تاریخ تمدن» بهار 88، شماره 19، صص 102-77

سؤال اصلی این تحقیق این است که نسخه‌های خطی دیوان مسیح کاشانی کدامند و ویژگیهای زبانی و سبکی شعر او با استناد به دیوان دؤم وی چیست؟

### معرفی نسخه‌های خطی دیوان مسیح کاشانی:

1. نسخه یک کتابخانه ملک تهران این نسخه که به شماره 5230 ثبت شده است، در تاریخ رمضان 1023 هجری در اجمیر و مقطعات آن در ربیع الثانی سال 1024 هجری کتابت شده است و شامل قصاید، مقطعات، غزلیات، ترکیب‌بندها و ترجیع بندهاست که در مجموع نزدیک به نه هزار بیت دارد و در حقیقت دیوان اول مسیح را شامل است. این نسخه دارای 289 ورق به طول 6/23 و عرض 2/14 و هر صفحه 17 بیت دارد که با خط نسخ هندی بر روی کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنگ کتابت شده است. جلد آن از نوع میشن ضربی ترنجدار بوده، قصاید

و انواع دیگر شعر بترتیب تهجی منظم شده است. (این نسخه چون فاقد دیوان دوم است، پس اساس کار مصحح قرار نگرفت)

2. نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز: این نسخه در سال 11 جمادی الثانی 1026 هجری در مندو بدست شمس الدین محمد کتابت و با شماره 2655 در کتابخانه ملی تبریز ثبت گردیده است. این نسخه شامل قصاید، ترکیب بند، ترجیع بند، مقطعات، غزلیات و رباعیات است، آغاز آن: .. هستی ما را زدند بر در امکان صلا (که مصراع اول آن افتادگی و بریدگی دارد) و انجام آن، این یک دو سه جزء حاصل عمر منست/ صد شکر که در پای شه انداخته‌ام.

این نسخه دارای 339 برگ و هر صفحه 25 سطر است. این نسخه به دلیل قدمت تاریخی و دقت در ضبط صحیح اشعار، اساس کار مصحح قرار گرفته است و در دیوان با علامت اختصاری «ت» یاد شده است.

3. نسخه دو کتابخانه ملک تهران: این نسخه تحت شماره 5070 ثبت شده است، کاملترین نسخه از نظر تعداد ابیات بوده ولی بدلیل نواقص و افتادگی‌ها و همچنین وجود اغلاط فاحش، مبنا و اساس قرار نگرفت و بعنوان نسخه بدل استفاده شد. تاریخ کتابت آن در برگ 352 (1054) ثبت شده است.

دارای 569 برگ به طول و عرض 29/6 و 16/8 است که در هر صفحه 17 بیت بر روی کاغذ ترمه به خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه نیز در دیوان با علامت اختصاری «م» یاد شده است.

4. نسخه دانشگاه تهران: این نسخه با بیت  
بسپرد نفس در قدمت تحفه جان را      قربان شوم اول نفس قاعده دان را  
آغاز و با بیت زیر پایان میپذیرد:  
چون آب مکن پیروی نان کسی      تا سیر شوی مباح مهمان کسی

نسخه دانشگاه تهران دارای 174 برگ به طول 22 و عرض 13 سانتی متر است که هر صفحه 12 سطر دارد و سال کتابت آن 1120 هـ. قید شده است. این نسخه 180 رباعی را نیز در بر دارد. شماره میکروفیلم این نسخه 9168 است که در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ثبت شده است این نسخه نیز در تصحیح بعنوان نسخه بدل مورد استفاده قرار گرفت و با علامت اختصاری «د» یاد شده است.

5. نسخه کتابخانه ملی پاریس: این نسخه برگزیده و منتخبی از دواوین مسیح است که 227 برگ 12 سطری دارد و بدلیل گزیده بودن مورد استفاده قرار نگرفت.

6. نسخه لندن: دارای 174 ورق 14 سطری است که در چهارم رجب 1155 هـ. در شاهجهان آباد کتابت شده است و در حقیقت دیوان سوم مسیح را در بردارد.

7. نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول: دارای 189 برگ به طول و عرض 83 و 165 میلیمتر است که در هر صفحه 11 سطر نوشته شده است. تاریخ تحریر این نسخه به قرن دوازدهم برمیگردد.

در ادامه جهت پرهیز از اطاله کلام فقط بمعرفی اجمالی نسخ میپردازیم و مطالعه بیشتر در مورد مشخصات و سال کتابت آنها را به دیباچه دیوان دوم بتصحیح نگارنده وا میگذاریم.

8. نسخه کتابخانه مولانا دانشگاه آزاد اسلامی علیگر - هند
9. نسخه کتابخانه خدابخش - هند
10. نسخه موجود در کتابخانه آیت العظمی نجفی مرعشی - قم
11. نسخه متعلق به مرحوم استاد وحید دستگردی
12. نسخه موجود در انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان باکو
13. جنگ خطی «سفینه نظم و نثر» کتابخانه آستان قدس رضوی
14. جنگ خطی «مجموعه دواوین و منتخبات» کتابخانه آستان قدس رضوی
15. جنگ خطی موجود در کتابخانه مجلس
16. جنگ خطی دانشگاه تهران
17. جنگ خطی مدرسه عالی شهید مطهری

#### معرفی مسیح کاشانی و نگاهی مختصر به زندگی وی:

رکن الدین مسعود، پسر حکیم نظام الدین علی کاشانی، متخلص به مسیح و مسیحی و مشهور به حکیم رکن از شاعران توانمند و پزشکان حاذق و خوشنویسان ماهر قرن دهم و یازدهم هجری است که در اواسط نیمه دوم قرن دهم (985 هـ.) در کاشان دیده بجهان گشود و در آنجا به سن رشد و تمییز رسید.

خاندان حکیم رکن، پیشینه پزشکی داشت و پدرش نیز سه سال طبیب دیوان شاه طهماسب صفوی بود که خود علاقه زیادی به شعر و ادب داشت که شعر و شاعری نیز میپرداخت. دو برادرانش با نامهای نصیرا و حکیم قطبا و پسرش «محمد حسین» که در اول شباب دار فانی را وداع گفت، طبع نظمی داشته و گاهی شعر میسروده اند. قابل ذکر است، طالب آملی، شاعر برجسته سده یازدهم پسر خاله مسیح بود.

مسیح در جوانی به دربار شاه عباس اول راه یافت و طبابت دیوان وی را عهده دار گشت. چنانکه توانست از مداحان و خاصان دربار عباسی شده و صاحب شاه عباس اول گردد. فخرالزمان قزوینی در تذکره میخانه درباره مسیح نگاشته است: «از کثرت تقرب در سفر و حضر، همیشه در رکاب دولت و سعادت به سر در خدمت می ایستاد و آن خسرو انجم سپاه [شاه عباس اول] در کاشان، مهمان آن مسیح زمان شده» (تذکره میخانه، ص 497)

بعدها بدلیل طرفداری شاه از یکی از بزرگان دربار در مناظره‌ای که بین مسیح و او اتفاق افتاد، حکیم از شاه رنجیده خاطر شد و تصمیم بر ترک دربار گرفت و رهسپار هند گردید. وی بعد از ورود بهند مدتی در آگره در خدمت جلال الدین محمد اکبرشاه غازی بود و بعد بی هیچ سببی از آن دربار رویگردان شده و به الله آباد رفت و در خدمت شاهزاده سلیم روزگار گذرانید، از آنجا به گلکنده و

بیجاپور و دکن و تته رفت اما چنانکه از لابلای اشعارش پیداست، از رفتن بهند اصلاً خرسند نبوده و همواره آرزوی برگشتن بوطن را در سر داشت:

بلی به هند چنان خوار و زار گردیدم  
که تیر حادثه را پیکرم نشانی کرد  
(قط 10/ 47)

بی تکلف آمدم تا درگه خان دکن  
صد خیال از مهر او با خویش میبختم ولی  
آن که صید آمیدم از وی بود و در هر باب بود  
چون گشودم چشم، دانستم که یکسر خواب بود  
(ق 20/ 3 و 4)

اشکم اگر این بار رساند به وطن باز  
بیرون نروم باز، چو اشک از وطن خویش  
(غ 4/ 225)

حکیم بعد از 32 سال دوری از وطن دوباره به ایران برمیگردد و در شهرهای اصفهان و شیراز اقامت میکند و بالاخره در سال 1066 هـ. که متجاوز از هشتاد سال سن داشت، در زادگاه خود، کاشان، چشم از جهان فرومیبندد.

#### آثار مسیح کاشانی:

1. دواوین: دیوانهای حکیم را پنج جلد و تعداد ابیات او را بالغ بر صد هزار بیت نوشته اند.
2. ضابطه العلاج: «کتابی است در علم طب به زبان عربی که در آن مسیح معالجات و تجربیات اطبّا را به رشته قلم درآورده است و از اقربان و اکفا بسبب ترتیب این تألیف از میدان حالت، گوی سبقت درگذرانیده است» (تذکره میخانه، ص 504)
3. مجموعه خیال: «حکیم، مثنوی مستقلی هم وزن «خسرو و شیرین» نظامی در بحر هزج مسدّس محذوف به نام شاه عباس سروده که این مثنوی دربردارنده حکایات متعدّدی است که یکی از آنها مثنوی «قضا و قدر» است که شهرت فراوانی یافته است» (تاریخ ادبیات ایران، صفا: نقل به تلخیص، 491)

#### سبک‌شناسی دیوان دوّم مسیح کاشانی:

در این بخش سبک این دیوان در سه سطح فکری و زبانی و بلاغی مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد و برای نشان دادن فضای کلی این مجموعه از منظر مولفه‌های سبکی، برای هر ویژگی نمونه‌های برجسته‌ای ارائه میگردد.

#### 1- سطح فکری:

دیوان دوّم حکیم رکنا برخلاف دیگر دیوانها با تحمیدیه و نعت و منقبت امامان آغاز نمیشود، فقط تنها چند بیت آغازین قصیده اول در نعت باریتعالی است و این خود از شاخصه‌های مهم دیوان دوم مسیح بحساب می‌آید. به لحاظ ادبی، مرسوم‌ترین قالبهای شعری در این دوره،

47 - قط = قطعه، ق = قصیده، غ = غزل، ت = ترکیب

بند، ر = رباعی

قصیده و غزل است که مسیح در اغلب قوالب سنتی شعر گفته، اما تعداد غزلیات دیوان دوّم او نسبت به سایر قالبها، چشمگیر است. این دیوان به نسبت فراوانی اشعار مشتمل است بر 389 غزل، 183 رباعی، 31 قطعه، سیزده قصیده و دو ترکیب بند. طولانیترین غزل دیوان غزل 352 است که دارای پانزده بیت میباشد و کوتاهترین آن غزل 133 است با سه بیت. قابل ذکر است که برخی از غزلهای حکیم فاقد تخلّص میباشد. همه غزلیات در بحرهای مشهور شعر فارسی سروده شده است و در واقع هیچ تلاشی از سوی شاعر در امتحان بحر جدید و مشکل دیده نمیشود. غزلیات که حجم بزرگی از دیوان حکیم را بخود اختصاص داده اند، بسیار لطیف و دل انگیز است که ویژگیهای سبک هندی بطور معتدل در غالب آنها نمایان است که در برخی موارد نیز قوّت و استحکام غزل قدما را دارد. نکته مهم که درباره غزلیات حکیم رکنا بچشم میخورد، وجود غزلهای سه بیتی است که طبق نظر علمای بلاغت غزل ناتمام خوانده میشود.

اکنون به توضیحی مختصر درباره مضامین غزلهای مسیح در دیوان دوّم میپردازیم :

1-1- **مفاخره:** شعری است که از فطریترین احساسات گوینده برمیخیزد و ناشی از حس صیانت نفس میباشد و اغلب نشانی از گفتگوهای خلوت و حدیث نفس شاعر دارد که شاعر خودستائی خود را در قالب شعر بروز میدهد. مسیح نیز چون دیگر شاعران، این راه را پیش گرفته و خود را شایسته چنین القابی میداند:

مسیح وقت منم در جهان به استحقاق	که قرص مه فتد از دود آه من به محاق (ق 1/10)
کی در جهان به رتبه من میشود کسی	در صد قران سپهر نیارد قرین مرا (غ 9/19)
هر مصرع تو عمر دراز است ای مسیح	رفتی و عمرهای ابد یادگار ماند (غ 14/108)
مسیح ارزد به صد خرمن، رقیب ارزد به یک ارزن	غلط مشنو که هر جنسی بهای خویشان دارد (غ 7/161)

1-2- **ارتباط با معشوق:** از نظر بسامد واژه و اصطلاح و جوهره ابیات و بار معنایی آن، آنچه در این دیوان بیشتر بچشم میخورد، « واژگان ارگانومی » ( diction organomy : توصیف اندام ) است که محور اصلی توصیفات جمال پرستانه را بخود اختصاص میدهد، که بدلیل وسعت و تنوع نسبتاً زیاد آن به ایجاد تناسب در عناصر سازنده تصویر می انجامد که از دیدگاه تناسب نوع تصویر با زمینه های موضوعی و عاطفی متن نیز در خور توجه است:

نمک گر آگه از کنج لبت گردد، شود شیرین  
وگر ببند شکر لعل ترا در شور می آید  
(غ 142/4)

ابروی ترا با مه نو دعوی خوبی است  
 ناخن چو زند فتنه بهم جنگ برآید  
 (غ/155/2)

میان خوبان چون قامت تو بخرامید  
 چنان نمود که یوسف به کاروان آید  
 (غ/157/4)

مسیح آرم به دل هر بار آن سبب زرخدان را  
 دلم صدپاره گردد چون انار از پیش و پس ریزد  
 (غ/192/6)

در این دسته از غزلیات « وحدت تجربی » عشق اساس ساختار غزل است و در آن غالباً نقش کاملی از تجربیات عشقی بتصویر کشیده میشود.

1-3- شکواییه : مسیح بدلیل ترک دیار و سفر به شبه قاره هند با زندگی پر ملال دست و پنجه نرم کرده است، پس بالطبع یکی از دیگر مضامین سروده‌هایش در دیوان دوم، شکایت از بخت نامساعد خود، شکایت از اندوه و دردی که روزگار برایش به ارمغان آورده و شکایت از فلک است که با او سرچنگ داشته، ناگفته نماند که بافت معنایی چنین شکوه سروده‌ها، فقط برای آه و ناله کردن نیست، بلکه هدف اصلی شاعر برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان و همگام ساختن آنان با خود است:

مسیح گشت کبود استخوان ز غم ، این بود  
 سفیدپوشی بخت سیاه جامه ما  
 (غ/15/5)

پنجاه و دو سال شد که با صد غم و رنج  
 هستیم در این چهار دیوار سپنج  
 ( ر 47 )

مسیح در فلک ستیزی نیز سروده هایی دارد :  
 پیر زالی است فلک ، رستم دستانش زیون  
 که کند بر همه مردم ستم سهرابی  
 (غ/372/9)

زاهد نماز فرض قضا کرد روز عید  
 یک روز چرخ محنت ما را قضا نکرد  
 (غ/122/3)

1-4- باور به تقدیر و قسمت ازلی :  
 وصل تو و هجران ترا پی نتوان برد  
 عمر و اجل خوبش مقرر نتوان کرد  
 (غ/144/3)

خود انتخاب نیک و بد از زمانه ایم  
 ما را ز نیک و بد ، هوس انتخاب نیست  
 (غ/534/5)

1-5- استغنا : اگرچه حکیم رکنای کاشانی از تنگی معیشت، در رنج و عذاب بود، اما طبعش چنان غنی بود که در جای جای دیوانش این موضوع بخوبی قابل فهم است :

به آب منت کس کام فقر تر نکنیم      که نان خشک قناعت، شد آبکامه ما  
(غ 15/5)

چند پیش چرخ بهر نیم نان منت کنیم      نان خوریم از لخت دل، وین کار بی منت کنیم  
(غ 290/1)

6-1 - **وعظ و نصیحت:** از دیگر موضوعات مطروحه در دیوان دوم مسیح، ایراد مسایل اخلاقیست:  
تا دل به قید اندک و بسیار بسته ای      همچون خران و گاوآن در کار بسته ای  
تا کی علف همی رسد و تو همی خوری      خود را ستور وار به پروار بسته ای  
(غ 2/360 و 1)

تا کی چو آب روی ز هر سو برآوری      آن به که همچو آینه یک رو برآوری  
(غ 1/366)

بس بلندی بخشدت روز جزا این دسترس      دست خود پیوند اگر با دست کوتاهی کنی  
(غ 7/378)

مردانه درآی خوش در اقلیم بلا      جان کن به رضای خویش تسلیم بلا  
بر شیر سوارگرد [و] مار اندر دست      بر بام بلا باش، نه در بیم بلا  
(2/ر)

7-1 - مسیح در لابلای اشعار تغزلی خویش از مدح شاه جهانگیر غافل نبوده و در ابیات پایانی  
غزل، همانند قصیده دعا و شریطه آورده است:

شاهها، امیدوار چنانم که از خدای      هر لحظه ات بشارت فتح دگر رسد  
(غ 9/190)

سر شاهان عالم، شاه عادل، شاه نورالدین      چو او نور است، من هم شمع این محفل کنم نامش  
سکندر گر به عالم گیری آید نوبت دیگر      بگیرم نام شه، چون نام حق باطل کنم نامش  
(غ 10/222 و 9)

گردد چو شمع پیکر تاریک من مسیح      چون نور مدح شه به زبان افکند شعاع  
(غ 237/7)

8-1 - **قصاید:** دوازده قصیده دیوان دوم مسیح، مدحی است که وصف دلاوری و مهابت و قدرت و  
عدالت و در ناز و نعیم بودن جهان در عهد ممدوح، تضعیف و تحقیر دشمنان ممدوح را شامل است  
و تنها یک قصیده در طرح مسایل اخلاقیست. قصاید، غالباً آهنگ کلام پیشینیان را دارد، به دیگر  
سخن، زبان مسیح در قصایدش گاهی از سبک معمول فاصله یافته و تا حدی بازگشت بسبک  
قدماست. از این میان هشت قصیده در بحر مجتث، دو قصیده در بحر هزج، یک قصیده در بحر خفیف  
و دو قصیده در بحر مضارع سروده شده است. حکیم در این قصاید از اغراق که لازمه وصف است، غافل  
نمانده است. ممدوحان او در قصایدش شامل ممدوحان ایرانی و ممدوحان هندیست. ممدوح ایرانی



او، شاه عباس اول صفویست که چون وی در هنگام سرودن این دیوان از ایران خارج شده و در درگاه شاه جهانگیر بسر میبرد، پس نامی از وی بمیان نیامده است. اما ممدوحان هندی او عبارتند از: جلال الدین محمد اکبر شاه<sup>48</sup>، جهانگیر شاه<sup>49</sup> که سراسر دیوان دوّم انباشته است از نام این پادشاه ادب دوست.

کَلک ما تا مدح نورالدین جهانگیر آورد خاک پای نقطه او باد، ناهید بلند  
(غ 6/127)

شاه نورالدین جهانگیر، آن جوانبختی که خلق هر کجا بگذشته از خاک رهش زر چیده اند  
(غ 8/152)

شاه جهان<sup>50</sup>، آصف خان<sup>51</sup>، مهابت خان<sup>52</sup> و...

قابل ذکر است که در دیوان دوّم ترکیب بندی در مدح مهابت خان وجود دارد:

از قدوم خان عادل چرخ و انجم روشن است مردم چشم است و چشم الحق به مردم روشن است  
(ت 24/2)

خان عادل میرسد، ای مملکت، خوش باد حال پیش از این یک چند اگر نالیده ای، اکنون ببال  
(ت 8/2)

## 2- سطح زبانی:

### 2-1- وزن (موسیقی بیرونی)

عوامل سیاسی و اجتماعی و حتی محیطی، بر روحیه شاعر اثرگذار است و سبب میشود که وی از وزنهای شاد و ضربی استفاده کند یا وزنهای ملایم و حزن انگیز. دکتر خانلری معتقد است که بعد از قرن هشتم بدلیل نابسامانیهای اجتماعی که در اثر حملات مغولها به وجود آمد، اوزان متوسط ثقیل خصوصاً بحر رمل مَثْمَن محذوف که از آهنگ سنگین و متین برخوردارند و در آنها نوعی حزن و اندوه نهفته است، رواج بیشتری یافت و در مقابل اوزان بلند ثقیل مثل بحر رمل و رجز مَثْمَن سالم به علت ضربآهنگ و نشاط و هیجانی که در آن نهفته است، از رواج کمتری برخوردار شد. (وزن شعر فارسی، خانلری: ص 202)

مسیح کاشانی نیز بدلیل اینکه دو محیط ایران و هند را درک کرده و در فضایی بدور از وطن اقامت کرده است و با دربردهای سفر روبرو بوده و آروزی بازگشت بوطن را داشته است، از اوزان متوسط ثقیل که همراه با نوعی حزن است، بیشتر بهره برده و ریتم اکثر اشعار او خالی از شادی و نشاط است.

<sup>48</sup> از مشهورترین پادشاهان سلسله تیموریان که مسیح بعد از ورود به هند در درگاه او اقامت گزید.

<sup>49</sup> فرزند اکبرشاه که حامی اصلی شعرا بود و خود نیز گاهی شعر میسرود.

<sup>50</sup> سومین پسر جهانگیرشاه که او نیز مثل پدرش ادب دوست بود.

<sup>51</sup> سیاستمدار نامدار ایرانی که از ارکان سلطنت اکبرشاه و جهانگیرشاه بود.

<sup>52</sup> از ارکان سلطنت اکبرشاه و جهانگیرشاه.

## 2-2- ردیف و قافیه (موسیقی کناری)

مسیح برای آهنگین ساختن اشعار خود از انواع فرایندهای آوایی حذف، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، اسکان متحرک و... بهره جسته است. از تمام انواع ردیفهای مفرد، مرکب و جمله در اشعار خود استفاده کرده است وی همانند دیگر شعرای سبک هندی برای مضمون سازی از قافیه‌ها و ردیفهای دشوار بهره گرفته است. نکته قابل توجه اینست که مسیح برخلاف دیگر شعرای سبک هندی از ردیفهای فعلی بیشتر بهره برده است تا ردیفهای اسمی. ردیفهائی همچون افکند شعاع، چه غرض، بگرفت از سرشک ما، به عبث آورده ای یا نه؟ کنم نامش، است و بس، کند پر، نتواند زندش، را شکسته ای، سفید و سیاه و سرخ، سفیدی میکند و قافیه‌هایی مثل دین، تضمین، نورالدین/رخسار، بی نهار، سیار/مصاف، غلاف، معاف/جمیل، نیل، تعطیل و .... استفاده از دو قافیه برای افزودن موسیقی شعر در این دیوان بسامد بالایی ندارد.

## 2-3- ویژگیهای لغوی دیوان دوّم :

به لحاظ واژگانی، سبک شعری مسیح قابل تامل است، بررسی و تحلیل ابیات این دیوان بیانگر آنست که او شاعر بیست قوی دست و توانا که بر دایره لغات تسلط ویژه ای دارد و بویژه ترکیب سازیها و برخی شگردهای زبانی و بیانی وی، به شعر او برجستگی خاصی بخشیده است.

### الف) کهن کاربردها (واژگان و اصطلاحات و افعال کهن)

منظور از این عبارت، واژگان و ساختهایی هستند که امروزه جزو واژگان مرده زبانند، این واژگان و ترکیبات بسبب داشتن بسامد بالا در دیوان مسیح، یکی از شاخصه‌های اصلی سبک وی بحساب می آیند.

- کَلَف (لکه‌های سیاه روی ماه)

گاه بر لب، چو بحر کف دارم  
گاه بر رخ چو مه کلف دارم  
(ت 61/1)

- قیروان (کاروان و قافله)

شوق سیر توسنش از بس زمین را جذب کرد  
همچو لبها قیروان با قیروان نزدیک شد  
(ت 6/2)

- مِسَن (سنگی سبز رنگ که کارد بدان تیز میکردند)

چراست تیغ زبان تو کند چون ساطور؟  
کنون که از دل سخت، آهنین مسن داری  
(ق 7/3)

- گَشَف (لاک پشت)

خورشید کشد همچو کشف سر به گریبان  
گر منصب خورشید ببخشی سرطان را  
(ق 32/1)

- بابزن (سیخ کباب)

لاغر شده است پیکر شادی، کجاست عیش      فربه شده است پهلوی غم، بابزن کجاست؟

(غ 3/62)

- فسان (سنگی که با آن کارد و شمشیر تیز میکردند)

تا خنجر بیداد تو را خواب کند تیز      بوسم به لب شوق سراپای فسان را

(ق 3/1)

- گنجفه (نوعی بازی ایرانی که اکنون از رواج افتاده است)

جودش به چرخ گنجفه هیچ و پوچ داد      هر جا زمانه دفتر سود و زیان گشود

(ق 6/11)

نمونه های دیگر: گازر = جامه شوی (غ 2/146) شمر = حوض کوچک (ق 31/5) ابره = توی زیرین قبا و

کلاه (غ 5/76) همیان = کیسه (غ 10/387)، مفاک = جای گود و عمیق (غ 5/266) وتیره = طریقه (غ

5/275) و ...

(ب) واژه های عامیانه:

با توجه به اینکه یکی از بارزترین ویژگیهای شعر این دوره، بهره گیری از زبان کوچه بازار است، این

واژه ها در شعر مسیح از بسامد بالایی برخوردارند:

دماغ سوخته (غ 3/11) نسیه (غ 6/149) ضابطه (غ 2/184) متقاعد (غ 3/184) متصاعد (غ 4/184) سوزن (غ 20

1/0) جنایت (غ 3/195) کوچه (غ 1/265) مو بر زبان سبز شدن (غ 1/81) کلاه به آسمان افکندن

(غ 2/112) صابون (غ 1/342) زیره به کرمان بردن (غ 3/275) فواره (غ 5/94) دهن با بسامد بسیار

بالا (غ 2/29) رفو با بسامد بالا (غ 2/195) و ...

(ج) ترکیب سازیهها:

یکی از شگردهای زبانی و بیانی سبک هندی ترکیبات جدید است که مسیح در برخی موارد آنچنان

ترکیبات بکر و زیبایی دارد که در خور توجه است. ترکیباتی همچون صبرگریز پای (غ 3/128) طور

تمنا (غ 4/134) زایران شب گیسوی تو (غ 2/133) بیضه وجود (غ 4/135) بیضه اشک (غ 4/358) بیضه

حباب (غ 5/302) دانه دل (غ 3/255) طفل اشک (غ 3/255) کشته شوق بتان (غ 3/118) نهیب

عجب (غ 7/115) یوسف چاه غم (غ 2/127) غالیه دانی (غ 1/306) خلیل اشک (غ 1/302) صابون

قمر (غ 4/309) قوس قزح ابروی بیداد (غ 7/336) شحنه بیداد قضا (غ 14/336) چشم خانه (ق 23/5) و ...

(د) واژه های فریبکار:

در دیوان مسیح واژه هائی دیده میشود که در گذر زمان بدون تغییر صورت زبانی و ظاهری تغییر

معنایی یافته اند. از آنجا که این لغات معنایی متفاوت از معنای امروزی داشته و در نگاه اول مخاطب

را فریب میدهد، واژگان فریبکار میگویند. (واژه های فریبکار، سمیعی گیلانی، 131)

- جدول (نهر کوچک)

- ز خون دیده یکی جدولم که شمس و قمر  
به خاک بوسی خون منند در تقویم  
(ق 11/2)
- حقه (ظرف کوچکی برای نگهداری جواهر)  
ای زال چرخ، خوش به دواری شدی اسیر  
إطریفلی ز حقه این بینوا بخر  
(غ 5/204)
- دستور (وزیر و مشاور، صاحب مسند)  
با این دماغ سوخته، دستور عالم  
صد عقل می چکد چو فشاری جنون ما  
(غ 3/13)
- کدو (کوزه شراب و پیاله)  
من جام سرنگون کدوی شکسته ام  
گو باده کش ز جام و سبوی شکسته ام  
(غ 1/254)

نمونه های دیگر:

- تنگ = بار (ق 6/5)، محیط = اقیانوس (غ 2/270)، علت = بیماری (غ 6/316)، گاز = مقراض بریدن طلا و  
نقره (غ 6/145)، طاس = تشمت و پیاله و ظرف شراب (غ 5/145) و ...
- 2-4- ساختار دستوری: همچون دیگر آثاری که در سبک هندی سروده شده است، دیوان دوم  
مسیح نیز متضمن همان ویژگیها و ساختار نحوی و دستوری است، جابجایی ارکان جمله بضرورت  
بلاغی انجام گرفته، اما این جابجاییها به تعقید معنوی نینجامیده است، کهن گراییهها در سطح نحوی  
در این دیوان قابل تأمل و بررسی است .

**الف) اضافه شدن ضمیر شخصی پیوسته به ضمائر شخصی جدا:**

- به صد منت نثار یک سر موی تواش سازم  
کلید هر دو عالم گر مرا در آستین افتد  
(غ 2/156)
- کرده خوش نقاش چشم ما به مژگان کارها  
خانه ای نبود که نقش ماش بر دیوار نیست  
(غ 3/90)
- آورد به سوی منش از جذب محبت  
با جسم چو کاهم اثر کاهربا بود  
(غ 3/120)

**ب) کاربرد «می» قبل از فعل امر:**

- همه جا منتظر یوسف غیبی می باش  
ور یکی چاه برون ناوردش چاه دگر  
(غ 4/211)
- به پیش پای اسیران شراره ای میدار  
کنون که از لک زر، شمع در لگن داری  
(ق 3/12)

دل روشن از اطوار تجلی میدار  
(ر. 101)

با ما نبود هیچ حسابی و کتابی  
(غ. 1/374)

حاشا که به خیل چارپایان برسید  
(ر. 72)

رشته نسل بنی آدم گسیخت  
(غ. 2/54)

مرا پیوسته میسوزد، همین کس را نمیسوزد  
(غ. 1/159)

پیوسته به لطف حق تجلی میدار

**ج) جمع بستن ضمائر شخصی:**

مایان که نخوردیم ز گیتی دم آبی

رنجی که از این دو پا به مایان برسید

**د) استعمال فعل لازم در معنای متعدی:**

حیفم آید انقطاع دوستیها و نه من

به سینه آتشی دارم که هر خس را نمیسوزد

### 3- سطح ادبی و بلاغی:

وجود انواع صورخیال، تصاویر و تشبیهات، مضمون آفرینیها و نازک خیالیها در شعر مسیح بیانگر آنست که مسیح با فنون بلاغی کاملاً آشنا بوده و به فراوانی از این صنایع در شعر خود بهره جسته است و با بکارگیری انواع تشبیه و استعاره و تمثیل و دیگر آرایه‌های بدیع معنوی شعر خویش را هنرپتر نموده است

**3-1- انواع تشبیه:** تشبیه در شعر حکیم رکنا بصورت اضافی و جمله از نوع محسوس به معقول

و معقول به محسوس و تشبیه مرکب در اشعار او کاربرد فراوان دارد:

تموز فکرت من روزگار بگدازد  
(غ. 2/247)

که به گردن به سر کوی تو گلگون آرند  
(غ. 3/201)

آن گمشده راهی که خضر نیز نیابد  
(غ. 2/197)

گر منصب خورشید ببخشی سرطان را  
(ق. 1/ 32)

چنانکه موم گدازد به روزگار تموز

قطره های مژه من، همه فرهادانند

هر رگ به تن گمشده‌ام، گمشده راهی است

خورشید کشد همچو کشف سر به گریبان

**3-2- انواع ایهام:**

که دزد یک سر مو کم نمیکند ز غنیم  
(ق. 26/2)

که گرگ یک سر مو کم نمیکند ز غنم

ز ابر تیغ تو زاییده اخگر و آتش      ز نال کلک تو جوشیده کوثر و تسنیم  
(ق 33/2)

### 3-3- مضمونسازیهای رندانه:

مقصود مضامینی است که بظاهر با آموزه‌های دینی و اخلاقی ما سازگار نیست و در مقابل شیوه‌های  
لا ابالیگری و ضد دینی را میستاید، بعبارت دیگر، نمادهایی چون مسجد و توبه و زهد و ... در مقابل  
نمادهایی چون می و شراب و قدح و میخانه قرار میگیرند.

آنچه در مسجد گمان بردیم، در میخانه بود      کعبه مقصد بود و حاصل گشت مقصود از کجا  
(غ 3/27)

کس مذهب از حکیم نپرسد، پیاله گیر      پنجاه و دو گذشت، شراب دو ساله گیر  
(غ 1/205)

گر بنده دنیا نئی، جز می کشی کاری مکن      یعنی خط ساغر ببر بر دفتر دنیا بکش  
(غ 6/224)

### 3-4- تلمیح و اشاره در شعر مسیح:

تلمیح مفهوم گسترده‌ای دربردارد که از آیات و روایات و وقایع تاریخی آغاز شده و تا فرهنگ عامه و  
عقاید و آداب و رسوم ادامه دارد و به جرأت میتوان گفت تلمیح گویای زندگی پیشینیان در ابعاد  
مختلف است.

کاربرد گسترده تلمیح در شعر مسیح کاشانی بیانگر آگاهی وسیع او از جنبه‌های مختلف دینی، آیات  
و مطالب تاریخ و احادیث و وقایع است. در این دیوان آنچه که بیش از همه جلب توجه میکند، اشاره  
بسیار فراوان حکیم به «خضر نبی» و لوازم مربوط به آن است بطوری که میتوان ادعا کرد از هر سه  
غزل وی در یکی به نام «خضر و آب حیات و عمر وی» اشاره شده است، بسامد فراوان این نام در  
دیوان دوم وی، عاملی بر تشخیص سبکی وی شده است:

نمی‌بندد دلم هرگز به آب خضر      بلی خضر لبم، آب از لب پیمانان میخواهد  
(غ 3/172)

در هر قدمش، چشمه حیوانست ولیکن      صد خضر در این بادیه گمراه فتادست  
(غ 3/172)

هر کس شهید تیغ تو شد، عمر خضر یافت      تو مرده را به رسم دگر زنده میکنی  
(غ 2/380)

و صدها نمونه دیگر که از ذکر آنها خودداری میکنیم، اما مسیح به شخصیت‌هایی چون حضرت موسی،  
عیسی، مریم، یوسف، نوح، سلیمان و اشخاص تاریخی چون اسکندر و دارا و عالم گیری‌های آنان و  
تاج اسکندر و سدّ اسکندر توجه داشته و از میان اشخاص حماسی به افراسیاب و رستم و گیو و سهراب  
و فتح کاویان و جام جم و سیاوش و کوهکنی فرهاد و کوه بیستون و بیژن و فریدون اشاره کرده و  
در سه مورد نیز به ذکر نام منصور حلاج و ماجرای بر دار کردن او برمیخوریم، همچنین وی به آدم و

حوّا، یاجوج و مأجوج، هاروت و ماروت، لیلی و مجنون و محمود غزنوی و بت شکنیهای او اشاره‌ای داشته است.

### 3-5- تصویرسازی:

«تصویر بر مجموعه تصرفات بیانی و مجازی از قبیل تشبیه و استعاره، اسناد مجازی کنایه و ... اطلاق میشود» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: 9) تصویر سازی در دیوان سده های دهم و یازدهم بسیار فوق العاده و قابل توجه است که مسیح نیز با خیالات باریک و دقیق خود، مبدع تصاویر بکر و زیبایی است که در ذیل بصورت دسته بندی شده، به چند مورد بصورت خلاصه اشاره میشود:

**الف) تصویر سازی با اصطلاحات پزشکی:** با توجه به اینکه مسیح، طبیب دیوان شاه عباس

صفوی بود و پدرش نیز منصب طبابت دیوان شاه طهماسب صفوی را بر عهده داشت، اصطلاحات

مربوط به این حرفه و نام برخی از بیماریها در لابلاي ديوانش بچشم ميخورد:

از تب شوقش عروقم گرم شد، ای نیشتر قیفال<sup>53</sup> رو دست شوی از جان خود، آنگه در این

(ت 21/2)

ز سده ای<sup>54</sup>، سخط او کمینه بازچه است که راه تغذیه بر مغز استخوان بندد

(ق 5/6)

هر زخم تازه دوخته ما را ز اضطراب شد پاره پاره باز که نام دوا شنید

(غ 3/136)

افتاد تا شراره شوقت به جان ما مانند پوست آبله زد، استخوان ما

(غ 1/2)

جوش زد دل بخیه‌های سینه ام از هم گسیخت سوزن عیسی شکست و رشته مریم گسیخت

(غ 1/54)

ب) تصاویر بنا شده با تأثر از محیط و فرهنگ هند: از آنجا که سرزمین هند، بعلاّت داشتن آداب و رسوم متفاوت از دیگر سرزمینهای مشرق زمین، وادی شگفتیها بحساب می‌آید و مسیح نیز ناگزیر دوره‌ای از عمر خود را در آن سرزمین گذرانده بود؛ خواه، ناخواه از مفاهیم و اصطلاحات شبه قاره هند، در تصویر سازی اشعار خود، بهره جسته است:

شاید اولین مورد برجسته‌ای که در دیوان خودنمایی میکند، اشاره به رسم سوزاندن مرده‌ها در سرزمین هند است:

<sup>53</sup> نام رگی در بازو که در قدیم از آن خون میگرفتند.

<sup>54</sup> از مهمترین بیماری‌های کبدی است، چیزی که در روده گیر کند و مانع خروج فضولات گردد

چون در آتشکده عشق وجودم سوزند دوزخ و کوثر و فردوس ز دودم سوزند  
بهر خاکستر من، باد صبا منتظر است هیچ لطفی به از این نیست که زودم سوزند  
آتش از سوختنم ننگ کند، لیک از رحم طفلکان چون خس و خاشاک به دودم سوزند  
(غ 4/154 و 2 و 1)

نه آتش سوزدم، نه آب از من داد بستاند مسیح، آن دم که من میرم، مرا با ملّ توان شستن  
(غ 5/342)

یا در ابیات زیر، کلمات هندی که در زبان فارسی متداول نیست، دستمایه تصاویر گوناگونی شده  
است که در جای

خود بی نظیر است:

- **چونه (آهک)**

ز قحط چونه و بی مهری ستاره سرد عمارت گل و دل هر دو نیمه کاره بماند  
(قط 7/27)

- **برشکال** (بارانهای موسمی در هندوستان)

برشکال ای مسیح، صد جورند تو یکی چشمه از جگر بگشای  
(غ 11/387)

- **بیانه** (نام شهری در هندوستان که نیل از آنجا حاصل میشود که در صنعت رنگرزی کاربرد  
دارد)

گر هند تیره تر شود از بخت ما، چه دور نیلی به رنگ کوب ما در بیانه نیست  
(غ 8/52)

- **لک** (صد هزار، اسمی است که هندیان برای شمار مرتبه‌ها مقرر کرده‌اند)

به اشک همچو سها بشکنند خیل اگر دو لک سوار چو مریخ تیغ زن داری  
(ق 11/3)

**ج) تصاویر رزمی:** استفاده از اصطلاحات و کلمات رزمی چون خنجر، تیغ، کمان، تیر و سپاه و

... زمینه ساز ایجاد تصاویر بسیاری در شعر مسیح است که از بسامد بسیار بالایی برخوردار است:

هر نگه کز خنجر مژگان او خورده است آب کشته مردم را و بر فتراک ناز آویخته  
(غ 4/359)

داشتم در سینه از مژگان تیرش رخنه ای لخت دل بگرفت راه چاره سازی هم نماند  
(غ 4/188)

تیر مژه ات قصد فلک داشته گویی پوشیده از آن روز کواکب زره خویش  
(غ 2/232)



### نتیجه:

باتوجه به آنچه گفته شد، حکیم رکنا مسیح کاشانی از شاعران سبک هندی است وی ادامه دهنده غزل به شیوه باباغانی است. از تعقیدهای لفظی و معنوی در سراسر دیوانش خبری نیست، بلکه زبانش بسیار فصیح بوده که مضامین عالی و نازک را با خیالات باریک و دقیق بکار گرفته است، به دیگر سخن، عناصر سبک هندی بصورت معتدل در اشعار مسیح جلوه گر شده و از آداب و رسوم و اصطلاحات شبه قاره هند و اصطلاحات مربوط به طبابت در اشعار خود بهره جسته است ولی با همه این اوصاف، سخنش زیبا و دلنشین و اشعارش قابل فهم و دل انگیز است.

### منابع و مآخذ:

1. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ج 5، چاپ دهم، تهران: فردوسی، 1378
2. تذکره میخانه، قزوینی، ملاً عبدالنّبی فخرالزمانی، تصحیح احمد گلچین معانی، چاپ چهارم، تهران: کتابفروشی اقبال، 1363
3. دیوان (نسخه خطی)، مسیح کاشانی، رکن الدّین مسعود، کتابخانه ملی تبریز، شماره 2655، (کتابت 1026 هـ)
4. دیوان (نسخه خطی)، مسیح کاشانی، رکن الدّین مسعود، کتابخانه ملک تهران، شماره 5070، (کتابت 1054 هـ)
5. دیوان (نسخه خطی)، مسیح کاشانی، رکن الدّین مسعود، کتابخانه دانشگاه تهران، شماره میکرو فیلم 9168، (کتابت 1120 هـ)
6. شرح احوال، بررسی آثار و گزیده اشعار مسیح کاشانی، آذرطلعت، امیرعلی، چاپ اول، تهران: سروش، 1378
7. فرهنگ جامع فارسی آندراج، پادشاه، محمّد (متخلص به شاد)، زیر نظر محمّد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات و کتابفروشی خیام، 1363
8. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی منطقه ای تهران، 1348
9. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دانش پژوه، محمّدتقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1340
10. کاروان هند، در احوال و آثار شاعران صفوی که به هندوستان رفته اند، گلچین معانی، احمد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 1369
11. وزن شعر فارسی، نائل خانلری، پرویز، چاپ ششم، تهران: توس، 1373